اعتراضات دانشجویی با دامنه‌ای محدودتر در شکل اعتصاب غذا ادامه دارد

ادامه از صفحه اول

«مرگ بر اصلاحات» و «انقلاب انقلاب تفتهراه پیروزی است» با را از شعار رفراندوم یک گام فراتر گذاشته و با طرح شعار «این جنبش مردم است نه جنبش آمریکا» مرز خود را با نیروهای هوادار مداخله آمریکا مشخص کرده‌اند. ولی در شعارهای مطرح‌شده هیچ‌گونه شعار برنامه‌ای که معرف دیدگاه و خواسته‌های این گروه باشد مطرح نشده است.

مسئولین دانشگاه مشهد ضمن ممانعت از استفاده دانشجویان از آب و سرویسهای بهداشتی و بستن درب محل تحصن دانشجویان در ساختمان مرکزی این دانشگاه و حضور نیروهای انتظامی دانشجویان را تحت فشار مضاعف قرار دادند.

در پی اعلام این اعتصاب، جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی نیز به این اعتصاب غذا پیوستند. در بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه ضمن اشاره به اینکه حکومت در حال بستن هرگونه کورسوی امید نسبت به تغییرات می‌باشد، ضمن اعلام اعتصاب غذای نامحدود خواهان آزادی بی قید و شرط «دانشجویان» زندانی و محاکمه عاملین حمله مغول‌وار به خابگاه طرشت شدند. سومین خواسته این دانشجویان درخواست مجوز رسمی برای برگزاری مراسم سیراسری ۱۸ تیر، حاکی از این است که این دانشجویان هنوز کورسوی امیدی را در این حکومت می‌بینند، در ضمن اینکه در برخورد با الهه کولایی ریزش اعتماد خود نسبت به اصلاح‌طلبان حکومتی را به نمایش گذاشتند. الهه کولایی با پیامی از مهدی کروبی مبنی بر وعده پیگیری مطالبات دانشجویان از طریق مجلس در میان دانشجویان دانشگاه علامه حضور پیدا کرد و خواهان پایان اعتصاب آنها شد. ولی دانشجویان با تاکید بر این نکته این وعده‌ها هیچ تضمین قانونی ندارد از پذیرش این خواسته سر باز زدند و این میانجیگری را نپذیرفتند.

ریاست دانشگاه علامه طباطبایی با طرح اینکه دانشگاه نسبت به تخریب دانشگاه شکایت کرده از دانشجویان خواست که اعتصاب غذای خود را بشکنند ولی دانشجویان نپذیرفتند. احتمالا تصور ایشان بر این بوده که دانشجویان نتیجه شکایت دانشجویان مضروب در جریان ۱۸ تیر ۷۸ و نتیجه رسیدگی به پرونده قتلهای زنجیره‌ای ۷۶ را فراموش کرده‌اند. و همچنین پرونده عزت ابراهیم‌نژاد و سرنوشت وکیلای این پرونده‌ها را به فراموشی سپرده‌اند.

جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید رجایی نیز با حضور در کنار دانشجویان دانشگاه علامه به این اعتصاب غذا پیوستند.

این دانشجویان پس از پا در میانی‌ها و وعده‌های مجدد نمایندگان مجلس کولایی، حقیقت جو و راکعی پایان گرفت.

با پایان این اعتصاب، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان طی یک کنفرانس مطبوعاتی آغاز اعتصاب غذای خود را اعلام کردند. سخنگوی این انجمن ضمن بر شمردن دلایل اعتصاب خود به رفتار بیشرمانه نیروهای انتظامی اشاره کرد. نیروهای انتظامی کرمان در حین باز جویی‌های غیرقانونی منازل مردم به غارت اموال آنها پرداخته بودند.

فراخوانهای ۱۸ تیر

۴ شنبه ۱۰ تیر جبهه دمکراتیک شاخه مشهد طی اطلاعیه‌ای ضمن طرح شعارهای برگزاری رفراندوم و آزادی زندانیان سیاسی و برقراری دمکراسی از مردم برای حضور در مراسم ۱۸ تیر در مشهد دعوت کرده تاکتیک پیشنهادی این گروه حضور نیروهای اعتراضی در سطح شهر همزمان با حضور متمرکز در محل تجمع اصلی برای جلوگیری از تمرکز نیروهای سرکوب می‌باشد.

وجود فراخوانهای بی‌امضا به عنوان مثال در کرمانشاه با تعیین محل دقیق تظاهرات و با تاکید بر اینکه این اطلاعیه با هماهنگی کلیه گروه‌ها و اپوزیسیون صادر گردیده است دراین بیانیه ضمن اعلام تاکتیکهای متفاوت و محل مشخص اعتراض هدف از تظاهرات مخالفت با حکومت قرون وسطایی ایران و حمایت از برگزاری رفراندوم برای تعیین نظام حکومتی اعلام شده است.

انجمنهای اسلامی دانشگاههای مختلف در پی تلاش برای کسب مجوز قانونی برای راهپیمایی ۱۸ تیر هستند.

جمعی از دانشجویان دانشگاه کرمان طی اطلاعیه‌ای اعلام کردند چه بی‌مجوز چه با مجوز این به این راهپیمایی دست خواهند زد.

تلاشهای حاکمیت برای مقابله با برگزاری مراسم ۱۸ تیر

– در راستای اعلام ممنوعیت برگزاری تظاهرات در ۱۸ تیر، دانشگاه تهران و خوابگاه آن در فاصله زمانی ۱۶ تا ۲۳ تیر ماه تعطیل و هر گونه تجمع برای سالگرد ۱۸ تیر در این دانشگاه ممنوع اعلام گردید.

– اقدام به دستگیری فعالین دانشجویی دفتر تحکیم وحدت در پی اصرار آنها به برگزاری مراسم قانونی ۱۸ تیر.

– چاپ مقالات و مطالبی در نشریه سپاه و همچنان در تریبون نماز جمعه با این مضمون که دستگیرشدگان محارب هستند و وضعشان کاملا روشن است و حکم آنها اعدام است، و اعلام صدور حکم اعدام برای ۵۰ نفر از دستگیرشدگان به صورت غیر رسمی. به نظر می‌آید بیش از آنکه جنبه عملی داشته باشد با هدف ایجاد جو ترور و وحشت برای کنترل جو اعتراضی در ۱۸ تیر طرح می‌شود.

– هجوم به نیروهای دفتر تحکیم وحدت در رابطه با تلاش آنها برای کسب مجوز قانونی برای مراسم ۱۸ تیر.

– نمایش صحنه‌های اعتراف تلویزیونی که هم هدف در ایجاد جو ترور و وحشت دارد و هم تلاش در وارونه نشان‌دادن و تحریف وقایع.

– سناریوی قربانی‌کردن مهره سوخته دیگری که نام سعید عسگر و محدودکردن عاملین حمله به یک گروه یا یک فرد، تعدادی از بسیجیان بر علیه سعید عسگر شهادت داده و گفته‌اند که او را در حمله به خوابگاه طرشت دیده‌اند.

اسامی گروهی از دانشجویان مفقود یا دستگیرشده

۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مشهد توسط دادگاه انقلاب دستگیر شده و حکم آنها اغتشاش بر علیه نظام است. اسامی ۴ تن از آنان به شرح زیر اعلام شده است:

محسن شکوهمند، علیرضا خوشبخت، یحیی صفاریان و مجتبی افرند.

اسامی برخی از دستگیرشدگان و مفقودین دانشگاه تبریز به نقل از سایت خبری جنبش به شرح زیر است: سالار گلستانی، مسعود گردانی، فرهاد شهنیا، سیامک حنیفی، امید غمدیده، محمدعلی اقبالی، بهروز کرمی، پرهام روشنی، امید خراسانی، علیرضا کرمی، حسن احمدیان، حسین ارشدی، صادقی، مهدی فولادوند، امید چگینی، مهدی نوروزیان، محمد محمدی، محمدجواد عزیزی‌فر، روزبه شکری، مصطفی غلام‌نژاد، رضا اسدزاده، رشید مجدد و حامد محمدی.

با گذشت ۳ هفته از هجوم نیروهای امنیتی به اتحادیه فرهنگیان کرج کوچکترین خبری از محل زندانی‌شدن افراد دستگیرشده و نهاد دستگیرکننده به خانواده‌ها نرسیده است.

تلاش برای محدودکردن ورود خبرنگاران خارجی به ایران

سایت خبری امروز نزدک به محافل اصلاح‌طلب می‌نویسد: پیوشش بسیار گسترده تاآرامی‌های دوهفته‌ای در برخی شهرهای کشور و اعتراض‌های دانشجویی در سطح جهان، محافظه‌کاران را بر آن داشته است تا تلاش کنند فعالیت نمایندگان رسمی رسانه‌های خارجی در ایران محدود و مانع ورود خبرنگاران، فیلم‌برداران و عکاسان مطبوعات و شبکه‌های رادیو تلویزیون خارجی شوند.

گفته می‌شود ارسال اخبار، گزارش، عکس و فیلم‌های فراوانی از اعتراض‌های دانشجویی و مردمی توسط این رسانه‌ها عامل اتخاذ چنین فشاری است و آنان می‌کوشند تا پیش از هجده تیر حضور خبرنگاران خارجی به حداقل برسد. همچنین شنیده شد چند تن از روزنامه‌نگاران رسانه‌های خارجی که در ایران دفتر رسمی دارند و در تحولات اخیر فعال بوده‌اند مورد باز جویی قرار گرفته‌اند.

قرار گرفتن حوادث دو هفته گذشته در راس رویدادهای رسانه‌های خارجی خبری و توجه افکار عمومی داخلی و خارجی به تحولات جاری کشور موجب شده است که محافظه‌کاران در صدد اعمال فشار به روزنامه‌نگاران خارجی و یا خبرنگاران و عکاسان ایرانی که برای رسانه‌های برون‌مرزی فعالیت می‌کنند برآیند.

کدام سیاست دولتهای خارجی به سود مردم ایران است؟

ادامه از صفحه اول

نیروهای سرکوب اونیفورم‌پوش و لباس‌شخصی، و از سوی دیگر با تلاش برای تثبیت خود در عرصه بین‌المللی، این تندباد را از سر بگذراند. اجرای جنبه دوم این استراتژی، یعنی وجه بین‌المللی آن، در حال حاضر عمدتا به دولت خاتمی و وزارت خارجه آن سپرده شده است. تلاشهای جناح محافظه‌کار و به ویژه رفسنجانی برای به دست گرفتن ابتکار بند و بست با قدرتهای خارجی، شکست خورد و فعلا این دولت است که مامور پیشبرد دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی شده است. دولت خاتمی می‌کوشد برای موثرترکردن این دیپلماسی، در عرصه بین‌المللی از خود همچنان چهره اصلاح‌طلبی به نمایش بگذارد و در میان قدرتهای خارجی و به ویژه اروپایی، ادامه سیاستی را تشویق‌کننده که هدف اعلام شده آن، تقویت اصلاح‌طلبان از طریق دادن امتیازهای سیاسی و اقتصادی به دولت خاتمی بود.

اما تقریبا قطعی است که شکست این سیاست برای همه دولتهای اروپایی آشکار شده است. همه این دولتها در تهران نماینده دارند و اوضاع ایران از دید آنها پنهان نمی‌ماند. آنها می‌دانند حاکمان واقعی ایران کیانند و در طول شش سال اخیر دریافته‌اند که پیشبرد مشی اصلاح از درون جمهوری اسلامی، با چه موانع ساختاری روبرو است.

از این رو، آنچه در حال حاضر قدرتهای خارجی را از اتخاذ موضع سختگیرانه‌تری در قبال جمهوری اسلامی باز می‌دارد، این است که بسیاری از آنها، بقای جمهوری اسلامی را به آینده‌ای نامعلوم بدون جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهند. سخن وزیر خارجه بریتانیا، اعلام فشرده این سیاست بود، سیاستی که مستقل از پیشرفت یا عدم پیشرفت در اصلاحات داخلی در ایران، تداوم وضع موجود جمهوری اسلامی را مطلوبتر از واردشدن به دوره گذاری می‌داند که نه طول مدت آن معلوم است و نه نتیجه‌اش.

در مقابل این مشی، سیاستی قرار دارد که به ویژه در دولت آمریکا دارای طرفداران بسیاری است و آشکارترین فرمولبندی آن را رامسفلد وزیر دفاع آمریکا ارائه داد، زمانی که گفت باید حکومت ایران را بی‌ثبات کرد. طرفداران این مشی، هرچند فعلا تکرار سناریوی افغانستان و عراق در ایران را تجویز نمی‌کنند، اما مسلح اجرای طیفی از اقداماتند که یک سر آن، حمایت فعال از اپوزیسیون ایرانی و سر دیگرش، عملیات نظامی محدود مانند هدف قراردادن تاسیسات اتمی ایران است.

بر خلاف مورد عراق، در مورد ایران این سیاست حتی در محافل حاکم واشینگتن نیز با مخالفتهای جدی روبرو است و در حال حاضر، سیاست غالب نیست. تنها عناصری از این مشی مانند مونسعگیری صریح در پشتیبانی از اعتراضات مردمی به جمهوری اسلامی، مورد پذیرش کل دستگاه حاکمه آمریکا قرار گرفته است و مقامات آمریکایی بارها چنین موضعی گرفته‌اند.

آزادیخواهان ایرانی که برای گذارکشور ما به دمکراسی مبارزه می‌کنند، نمی‌توانند در قبال سیاستهای مختلف و متضاد قدرتهای خارجی در مورد ایران، بی‌تفاوت بمانند. هرچند منشا هرگونه تحول دمکراتیک در ایران، باید تلاش و پیکار خود مردم ایران باشد، اما این تلاش و پیکار نیازمند حمایت بین‌المللی است. فرض کنید دولتهای اروپایی و آمریکا به این نتیجه برسند که ادامه حکومت بنیادگرایان اسلامی در ایران حتی به بهای سرکوب خونین هر صدای مخالف درکشور ما، به سود آنان است. عواقب دادن چراغ سبز سرکوب خونین از سوی قدرتهای خارجی به حکومت جمهوری اسلامی، برای جنبش دمکراتیک در ایران فاجعه‌بار خواهد بود.

در جهان به هم پیوسته کنونی، همه دولتها اهمیت زیادی به روابط بین‌المللی خود می‌دهند و در این عرصه، آسیب‌پذیرند. هیچ دولتی نمی‌تواند نسبت به عواقب خارجی سیاستهای خود بی‌تفاوت باشد. بسته به این‌که رعایت حقوق انسانی مردم ایران تا چه حد در اتخاذ سیاست دولتهای خارجی در قبال کشور ما موثر باشد، سیاست این کشورها می‌تواند در سرنوشت جنبش آزادیخواهانه در ایران نقش مهمی ایفا کند. از این رو، تاثیرگذاری بر سیاست دولتهای خارجی در قبال ایران، یکی از عرصه‌های مهم فعالیت آزادیخواهان ایرانی است.

اما برخی از آزادیخواهان ایرانی، اهمیت چندانی به این عرصه فعالیت نمی‌دهند و معتقدند در هر حال، هیچ یک از دولتهای اروپایی و آمریکایی حقوق مردم ایران را وارد محاسبات خود در اتخاذ سیاست نمی‌کنند، پس تلاش برای وادارکردن آنها به اتخاذ مواضعی که به سود مردم ایران باشد، بیهوده است.

برخی دیگر از هموطنان ما، از این تحلیل حرکت می‌کنند که همه دولتهای اروپایی و آمریکایی چشم طمع به منابع ملی ایران دوخته‌اند و هر تصمیمی که اتخاذ کنند و هر کاری که انجام دهند، به ضرر ایرانیان است.

و بالاخره کسانی هستند که می‌گویند قدرتهای خارجی در ایران بدانماند و هر گونه موضعگیری آنها علیه سرکوب و در دفاع از حقوق مردم ایران، به ضرر جنبش آزادیخواهانه در کشور ما تمام خواهد شد و بهتر است که آنها در مورد سیاست داخلی ایران سکوت کنند.

نتیجه همه این سیاستها یکسان است و چیزی نیست جز واگذارکردن عرصه بین‌المللی به حکومت جمهوری اسلامی، که بر خلاف این گروه از ایرانیان آزادیخواه، برای این عرصه اهمیت زیادی قائل است و در بیست سال گذشته با درجات مختلفی از موفقیت، کوشیده است از دیپلماسی خارجی خود در جهت تداوم و تثبیت حکومتش بهره گیرد.

کوشش برای بالابردن وزن معیار رعایت حقوق مردم ایران در تنظیم مناسبات دولتهای خارجی با جمهوری اسلامی، تلاشی بی‌سرانجام نیست، از جمله به دلایل زیر:

اولا در اروپا و آمریکا حقوق بشر بخش لاینفکی از هویت سیاسی همه نیروهای موثر در حوزه سیاست است و پایبندی این نیروها به این هویت، در معرض داوری دائمی افکار عمومی است. چندی پیش در هلند، افشای برخورد اغماض‌آمیز یک افسر هلندی عضو نیروهای پاسدار صلح بوسنی به کشتار مسلمانان به دست صربها، به سقاط‌شدن دولت هلند انجامید. هفته گذشته یکی از مواردی که به مشاجره شدید لفظی میان سیلویو برلوسکونی نخست وزیر ایتالیا و نمایندگان پارلمان اروپا منجر شد، نقض حقوق پناهندگان از سوی دولت ایتالیا بود. چند سال پیش هنگامی که دولت هلموت کهل در آلمان می‌رفت تا میزبان ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی باشد، اکثریت پارلمان این کشور رای داد که ولایتی عنصر نامطلوب است و این سفر لغو شد.

ثانیا دوره‌ای که سیاستگذاران اروپایی و آمریکایی معتقد بودند تلفیق دمکراسی لیبرال در کشورهای متروپل و دیکتاتوری‌های طرفدار غرب در جهان سوم، متضمن بقای نظم جهانی سرمایه‌داری است، مدتهاست سپری شده است. دیگر حتی پادشاهی عربستان سعودی نیز که ده‌ها سال است جریان نفت ارزان به سوی غرب را تضمین کرده است، نمی‌تواند مستقلا نسبت به تداوم تضمین بقای خود از سوی آمریکا و اروپا مطمئن باشد. نگاهی کوتاه به نقشه جهان و مقایسه وضعیت امروز آن با بیست سال پیش، نشان می‌دهد شرایط جنگی، دست به سرکوب آزادیخواهان بزند. از این رو، آزادیخواهان ایرانی باید همواره به افکار عمومی جهان یادآور شوند که مردم ایران خود تکلیف دیکتاتوری و استبداد را یکسره خواهند کرد و بدین منظور نیازی به قوای خارجی ندارند.

ما باید از جهانیان خواستار اتخاذ سیاستی در قبال جمهوری اسلامی شویم که حقوق بشر را در مرکز ملاحظات خود در ارتباط با ایران قرار دهد. اعلام حمایت معنوی و سیاسی کشورهای خارجی از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، به سود مردم ایران است. با این گونه پشتیبانی‌ها، امکانات عمومی اسلامی برای مقابله قهرآمیز با جنبش دمکراتیک محدودتر می‌شود. هرگونه تداوم و بسط مناسبات دولتهای خارجی با جمهوری اسلامی باید منوط به رعایت بدون چون و چرا و بی‌کم و کاست حقوق بشر از سوی حکومت ایران شود. حقوق بشر، یک بخش محوری از حقوق بین‌الملل است و طرح خواست رعایت آن، مداخله در امور داخلی هیچ کشوری نیست. از این رو آزادیخواهان ایرانی به جای آنکه خواهان سکوت قدرتهای خارجی در قبال تحولات داخلی ایران شوند، باید از این قدرتها بخواهند در برابر نقض حقوق بشر در ایران ساکت ننشینند و به تعهدات بین‌المللی خود در عرصه حقوق بشر عمل کنند. یا به عبارت دیگر پیوسته از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران دفاع و سرکوب آن را محکوم کنند.

در شرایط کنونی، خواست آزادی بی قید و شرط و فوری هزاران زندانی سیاسی ایرانی (حکومت ایران به اعتراف خود تنها طی هفته های آخر خرداد هزاران نفر را بازداشت کرده است) باید محور تقاضاهای ما از جامعه بین‌المللی باشد. سکوت جامعه بین‌المللی در این مورد، دست شکنجه‌گران و قضات و دادستانهایی مانند سعید مرتضوی را باز می‌گذارد تا هر بلایی می‌خواهند بر سر زندانیان بیاورند. باید نجات این زندانیان را از افکار عمومی جهان طلب کنیم و موکدا خواستار آن شویم که نیروهای دمکرات و انساندوست در کشورهای غربی، از دولتهای خود اعمال فشار به ایران برای آزادی این زندانیان را خواستار شوند.

گفتگوها و معاملات پنهانی با جمهوری اسلامی که دولت آمریکا بارها و برای آخرین بار به منظور معامله بر سر سرنوشت مجاهدین خلق از یک سو و سپاه بدر از سوی دیگر بدان دست زده است، همواره به بقای حکومت سرکوب و استبداد در ایران کمک کرده و از این رو به ضرر مردم ایران است. آزادیخواهان ایرانی باید قبح این گونه معامله‌ها را پیوسته به افکار عمومی غرب گوشزد کنند و خواهان اعمال فشار افکار عمومی در جهت غیرممکن‌کردن چنین بند و بستهای پنهانی شوند.

رویارویی و تهدید نظامی خارجی، همواره از سوی حکومت جمهوری اسلامی به مثابه دستاویزی برای تشدید سرکوب در داخل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. ایران، عراق نیست. در ایران، یک جنبش زنده و فعال برای دمکراسی وجود دارد که در برابر حکومت استبدادی قد علم کرده است. هر گونه تهدید نظامی خارجی، به حکومت ملایان امکان می‌دهد تا با بهانه قرار دادن شرایط جنگی، دست به سرکوب آزادیخواهان بزند. از این رو، آزادیخواهان ایرانی باید همواره به افکار عمومی جهان یادآور شوند که مردم ایران خود تکلیف دیکتاتوری و استبداد را یکسره خواهند کرد و بدین منظور نیازی به قوای خارجی ندارند.

ما باید از جهانیان خواستار اتخاذ سیاستی در قبال جمهوری اسلامی شویم که حقوق بشر را در مرکز ملاحظات خود در ارتباط با ایران قرار دهد. اعلام حمایت معنوی و سیاسی کشورهای خارجی از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، به سود مردم ایران است. با این گونه پشتیبانی‌ها، امکانات عمومی اسلامی برای مقابله قهرآمیز با جنبش دمکراتیک محدودتر می‌شود. هرگونه تداوم و بسط مناسبات دولتهای خارجی با جمهوری اسلامی باید منوط به رعایت بدون چون و چرا و بی‌کم و کاست حقوق بشر از سوی حکومت ایران شود. حقوق بشر، یک بخش محوری از حقوق بین‌الملل است و طرح خواست رعایت آن، مداخله در امور داخلی هیچ کشوری نیست. از این رو آزادیخواهان ایرانی به جای آنکه خواهان سکوت قدرتهای خارجی در قبال تحولات داخلی ایران شوند، باید از این قدرتها بخواهند در برابر نقض حقوق بشر در ایران ساکت ننشینند و به تعهدات بین‌المللی خود در عرصه حقوق بشر عمل کنند. یا به عبارت دیگر پیوسته از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران دفاع و سرکوب آن را محکوم کنند.

در شرایط کنونی، خواست آزادی بی قید و شرط و فوری هزاران زندانی سیاسی ایرانی (حکومت ایران به اعتراف خود تنها طی هفته های آخر خرداد هزاران نفر را بازداشت کرده است) باید محور تقاضاهای ما از جامعه بین‌المللی باشد. سکوت جامعه بین‌المللی در این مورد، دست شکنجه‌گران و قضات و دادستانهایی مانند سعید مرتضوی را باز می‌گذارد تا هر بلایی می‌خواهند بر سر زندانیان بیاورند. باید نجات این زندانیان را از افکار عمومی جهان طلب کنیم و موکدا خواستار آن شویم که نیروهای دمکرات و انساندوست در کشورهای غربی، از دولتهای خود اعمال فشار به ایران برای آزادی این زندانیان را خواستار شوند.